

بیت بالا (می نویسد برافق با خط زرین آسمان) مدیر
دارالسلطنه کابل ۷ (پادشاه افغان مبارک دوره امن و آمان) (سید محمد قاسم)

الاَنْذِيْرُ

ده افغانستان کابل
(مه امورات نخربه)
(به اداره خانه)
(لش میشود)
(اورانی که درج نشود درین جزیده از هر گونه علوم و وقایع سیاسی (بنام مدیر)
(اما ده نمیشود) و منافع دولتی و فوائد ملتی بحث میشود (هرستاده نمیشود)



تاریخ شمسی ۱ حوت ۱۳۰۱ شمسی مطابق ۴ ربیع ۱۳۴۱ فری
تاریخ انگلیزی ۱۹ فروردی ۱۹۲۳ میسوی

- | نمره شمار | فهرست مندرجات | نمبر صفحات |
|-----------|--|------------|
| ۱ | فرانسه و جرمی | [۲] |
| ۲ | مقاله مخصوصه، زمامداری و وظیفه آن — | [۴] |
| ۳ | تشریف آوری اعلیحضرت از مقان پادشاهی — | [۷] |
| ۴ | اخلاقیات، قوه شهوانیه — | [۱۰] |
| ۵ | ذکارت و همت افغانی — | [۱۱] |
| ۶ | علم اسلام، تشکیل امارت اتحادیه وطنیه نبازیه — | [۱۲] |
| — | حوادث داخلیه | [۱۵] |
| ۷ | حریق ۸ عزل ۹ حبس ۱۰ قلب ۱۱ قتل | [۱۶] |
| ۸ | کثر بوف هاری — | — |
| — | حوادث خارجیه | [۱۶] |
| ۹ | لوزان و ترکان — | [۲۰] |
| ۱۰ | وطن قومی ارمنیا ۱۵ اجتماع افواج حکومت رزمائیه | [۲۰] |
| ۱۱ | ایران و رویسیه — | [۲۲] |
| ۱۲ | وزیر اعظم جدید ایران ۱۸ استعفای کاینده وزرات مصر | [۲۲] |
| ۱۳ | اعلان ایضاً اعلان — | — |

لیست احتمالات

(سال سوم) نهاده (۱۵، ۱۶) (۲) صحیفه

فرانسه صورت حصول آن غیرمکن است
علیاً باین اقدام فرانسه مخالفت عملی
اظهار نمکرده ولی واضح است که این
حرکت فرانسه برخلاف مذکوره واژده
اوست و کار روانهای فرانسه را در خاک
جرمنی بمنظار استحبان نمی بیند بلکه
درینوقت پاره تصرفات استعماری فرانسه
را که در علاقه رور حس کرده محتسب
سکوت توانسته بعضی آوازهای نامفهوم
کاونی هم کشیده، چنانچه مستر بو زلا
رئیس وزرای انگلستان بیک وضع
مراسمه کی در کابینه خود اظهار داشته
کابن حرکات و تصرفات کافرانه در علاقه
رور اجرا میدارد، هیچ ذکری ازان
در مجلس نادان نشده است.

فرانسه دریاد داشت اهل خود که به
سفیر جرمنی داده است اظهار نموده بود
کابن سوق الحیش واحتلال برای ارض ارض
سیاسی و مقاصد عسکری نیست که ازان
در نظام معاشر، وحیات اهالی خلی روده
محض بقصد تحصیل قسط بولند و دنگال
است. اما جرمنی بر عکس آن ارائه واعلان
نموده است که اقدام فرانسه همین برای
استبلاء و تعلق برخاک جرمنی است وابن
اشاهه های فرانسه محض عوام فریبی
است که میخواهد مردم را کول بزند

برطانیه نیخواهد که مجرمنی سراسر محظوظ
شود و فرانسه از این انتقام او مسترجع
و مطمئن کردد و نه آن مقدار متفاوت باشد
که اسباب تحویل برطانیه فراموش آرد
و اینکه حاضراً برطانیه در مقابل اقدامات
و عملیات فرانسه در خاک جرمنی شکوت
ورزیده چنانچه بیشتر اشاره کردیم محض
تائام شدن مسئله ترکان و ختم مجلس لوزان
است و باین سکوت موقعی خود دو استفاده
کردن زیرنظر کرفته، اول کشیدن آتشی
مرادات خود از مجلس لوزان با تفاوت
و مساعدت فرانسه دوم انداختن عداوت
بین ترکان و فرانسه و قطع رشته دوستانه
سابقه شان که این هم در مقابل اسباب
ضعف فرانسه و ترکیه میشود لذا کن حرف
هم بطلب رسیده ظاهراً با برطانیه دم از
اتفاق میزند و ترکان را بامنهای مهاهده
ناید و نهید و بیناید و باطنای باز کان سالمه
آشنا را حرکت میرهد و کذا با رویه
که حرف برطانیه است فکر دوستی کرفته
وابواب مراوده آشاده.

بناءً علی مسبق احتلال فرانسه
در علاقه رور و تصرفات مستملکات او
اسباب و عوامل بک جنک بزرگ را زیره
می کند و عنقریب بک حرب مدھش در
اروبا صورت خواهد کرفت و از همین باعث

و ضمناً مقصد خود را پیش ببرداز اوضاع
حاضره فرانسه هم، چنان تراویش میکند
که برگفته خود استاده نیست و میخواهد
که ناسواحل رود (رائن) را از جرمنی
جدا ساخته به تملک خود آرد چنانچه،
معاملات او در امور اوضاع اواها اهالی
و تحفظی عساکر او در موارد علاقه رور
الزاماً باین معنی دلات دارد.

هر صورت حاضراً در اروبا همین دو
دولت معظم فرانسه و برطانیه رقیب بک
دبکرند و برطانیه نسبت بفرانسه با اقتدار
زوغنی و در سیاست هم قوی است و فرانسه
بمقابل برطانیه در هم امور مسد کوره
ضیف نزاست مخصوصاً از جبت نزوت
ونقول آن هیچ ندارد حق اکرهین قسط
بون و زغال از جرمنی براش نرسد کار
او قاع است مکراینکه قرض کند و نتیجه
فرض در حال مفلسی بر عموم واضح است
هین شدت افلاس است که فرانسه را
بشدت انداخته بهیچ نوع مخاصی برای
خود نمیدهی غیر از آنیست که دم غنیمت کفته
جنواه تقدیم به این احتلال سراسر و بال
او قاع نمود بنا برین حس رقات برطانیه
کوشش دارد که فرانسه داماد و چار بک
کوته ضعف و بریتانی باند تاشواند در
مقابل برطانیه مکانت بلندی حائز کند
پاغم مخالفت برافرازد و از همین خیال

وحق است که : در راه آسایش و هنر ملت امنیت و آبادی نمایند که ترقی و اعتبار دولت ، و اجرای قوانین و نظمات سلطنت در منهای شوق و جدیت و کمال صداقت و فعالیت اهمام ورزند در اتفاقی این وظیفه فریضه خود از هیچگونه ح JAN فشاری و فدا کاری مضائقه روا ندارند و هیچ وقت خود را از ملت جدا نمایند را از خود بکاره نشانند هیچگاه در ملت بغار حقارت اغفار نکنند وطن و ملک را خانه خود فرض کنند و خود را صاحب آن خانه بدانند می دان پیرا پدر وزنان عجوزه را مادر و جوانان را برادر و خواهر و خود دان را دختر و پسر پندارند مصائب ملت را مصیبت خود و خرمی ملت را مسربت خود شمارند زمامداری که با صورت ایقای وظیفه کنند همکن است که تایک اندازه شکر نعمت زمامداری بجا آورده باشد ، و نزد ملت و بارگاه احادیث مقبول و نیک نام ، و نام او در تاریخ عالم به یادی باد کار باشد .

ای ملت عنبرزا مفکوره زمامداران و وظیفه آنان را قرائت نهودید و شنیدید اکنون به اقوال و اعمال زمامدار اعظم و منبع صراحت شیم خود مان اندک تأمل و دقت فرماید که در باب زمامداری وظیفه آن چه می فرمایند و آن وظیفه را خود شان جگونه بجا می آزند .

از هر ق پیشانی و آبله دست ملت پیداشده شرف و اعتبار آنها بواسطه ملت است افتخار و عننت شان نزد اجانب بواسطه ملت است جز امتیاز ورنبه و اختصاص مقامیکه ملت به آنها عنایت فرموده هیچ کونه منطق پرساژ افراد ملت ندارند هیچ آنها وابسته به هستی ملت است . اکره بولای ملت مکون نشدنی زمامداری وزمامداران در عالم عرض وجود نکرده ملت بعنزله کوسفندان وزمامداران راعی وشبان آنان اند اکر کو-سفندر نباشد شبان وجود خارجی نخواهد داشت ملت پاغ است وزمامداران با غایان او ملت منزوع است وزمامداران آبیار او بس هیجنان که وظیفه شبان و با غایان و دهقان همین خدمت کوسفندان و منزارع و بوستان است که جمع ساعی و قوای خود را در وسائل و عوامل حفاظت و راحت و تأمی و سر سبزی و آبیاری و بار آوری آنها صرف کنند ، و از هر کونه صدمات و عوارضات کرکان و دزدان و مرغان آنها را وفا به عابد ، و در ایقای وظائف خود از هر کونه جان سپاری و اعانت داری اهال نورزد و بجز فکر در شیون رمه و باغ و منزوع خود اندیشه بمحاطر نداشته باشد همین طور بزمداران نوع انسان نسبت ملت وزیر دستان شرعا و عقلاء و نقلاء و اجب

ملت را بوجود خود دانسته حیات ملت را در قبضة اقتصاد خود می شمارند و خود را مالک الرقاب و ولی نعمت جلوه داده بنظر حقارت بر افراد ملت دیده تصور می کنند که مصدق (تعز و من شاه) ماهها و مورد (نذل من شاه) اینه ملت اند ، خود را بملت ذی حق و ملت را خدم و مسئول خود میدانند . و از طرف ملت بر خود هیچگونه حق و باز پرسی بخیال ندارند .

این کونه زمامداران !! با این که لیاقی هم ندارند حقیقت خود را فراموش کرده اند و نمیدانند که ملت محسن آنها است ملت به آنها برای حفظ حقوق و آسایش نوع خود تحریم بخشیده است و بملت دارای همان تحکیمی هستند که از طرف هیئت اجتیاعیه ملت بلذات یا با واسطه باشند داده شده است این بزرگ و جلال از ملت به آنها رسیده است این همه شیوهات را از ملت یافته اند این موثرها و فتنها و کالسکه ها و اسیهای راهه اور و نوکران صفت استه قطاز و باغات و اراضی و عمارت و اعوان از واحترمات فوق العاده را از ملت دارند این خزانه ذخایرو تول و زروت و مکنت که هر یک در دست دارند

که وقوع حرب از بک جهت دیگر حتمی است نرکان هم مسبب جنک نکشته میل بصلاح دارند نیارای آماده کی فرصت پیدا کرده بوقت مناسب باز بزور شمشیر مقاصد خود را حاصل کنند خدا شری بران کیزد که خیر ما در آن باشد .

مقابل هیچ ضر و صدیقه

(زماداری و وظیفه آن)

اقوامیکه در سلاسل وحشت و جهالت کوفارند جنان می پندارند که زمامداران شان بصور حالیه از آسمان فرود آمده اند و بادشاهان باشکال شخصیه شان مانند فرشتکان از عرش اعلا بر زمین هبوط نموده اند (جنابجه اهالی چین بنا بر همین عقیده دولت خود را سلطنت آسمانی مینامند) و این همه سلطه و استیلای زمامداران لازمه خلافت ایشان است افراد ملت و ترور رعیت را در منافع خود بگار بردن و بعصرف آسایش خود رسیدند حق مشروع آمان است یعنی ملت عرض برای نفع زمامداران خلق شده اند و از خود حیاتی و غرضی ندارند . از طرف دیگر فرمان فرمایان را دودخوت و غرور باشانه در دماغ بجیده و باعث اختلال افکار و حیات شان کردیده که هیچ

(۱) نظریات اعلیحضرت فاضی
در هزاره زمامداری وظیفه آن :
روزی بحضور متبع معظم مان
اعلیحضرت امیر امان الله خان (متعالله)
المسلمین بطول عقائد) حاضر بودم که
بنقریبی نامیکی از زمامداران شرق بوستان
آمد و ضمناً از اوضاع زندگانی و اصول
جهانی او که همین اهمال در عشرت ،
و غفلت از احوال ملت و دولت بود چنانی
در میان آمد همه ناسف کردیم و خون دل
خوردیم ، در این حال یکی از حاضرین
کفت از همه شیرین روزگاری نیز این است
که این جناب والا عقیده دارد که چون
شخصی به مقام پادشاهی رسید و حکم او
برافراد یک ملت نافذ کردید همه تکالیف
از ذمه او ساقط گشته بجز همین استیفاء
انواع لذات و استمتاع از اقسام مشتیهات
وظیفه برای او نیست (یعنی جهانی
را عبارت از شهوت رانی میدارد) بعد
حضور عدالت نشوریک وضع عاجزانه
و زبان ملاعنه ارشاد فرمودند که به عقیده
من هر قدر که درجه زمامداری یک شخص
بلندتر شود برابر به آن تکلیفیش بیشتر
وظیفه اش مهمتر و هار خدمت ملت که
بر دوش او نهاده شده سنگین نمیگردد ،
و این همه در نتیجه این جناب میگند زحمت

کشیدن ، و آایش شخصی و راحت شخصی
خود را از هر جایی ترک کفتن خصوصاً که
این زمامداری به عنوان جهانداری یعنی
پادشاهی باشد ، چرا که هیچ امری مشکلتر
از ریاست یک امت و هیچ مشقی جمکر
خراشتر از زمامداری عمومی یک ملت نیست
زیرا همین یک شخص پايد آن محنت سعیم
مردم را متحمل شود و چندین هزار
نفوس راحت کنند . و همین یک نفس پايد
شب و روز در قید اندیشه و غم کرفتار باشد
و کل خلائق آایش و فراغت نمایند و
اگر مشکلتر مامورین با کفايت و درایت
که بعد از پادشاه تمام مهام ملت درجیه
بدرجه بدست آنهاست تدارک نمودن
است و مراتب احوال امور آنان کردن
بناء على مسابق رعیت را پاسبانی نمودن
زحمت بسیار و مامورین دولت را نگرانی
داشتن محنت بی شمار دارد . این مابین
مراتب اکر پادشاه شب و روز نهاده
معروف تحقیق احوال ملت و تفتیش
جریان نظامات سلطنت و تدقیق حرکات
و اعمال مامورین دولت باشد ، بفرکر من
جنان می آید که وظیفه که بر دوش دارد
کاملاً این خواهد توانت پس جه جانیک
مشغوف کارانی و آایش شخصی خود
باشد . پادشاه تم ، آایش ، راحت ،

شم باری جهه تفتیش کارهای مامورین
و باخبری از احوال اهالی کابل از لفان
عنهای وارد کابل کردیده اند بطور یک
در لفان و جلال آباد احدی از حرکت
شان بسوی کابل مطلع نمکردیده ، وزیر
در کابل که کان نمیگردید که بان زودی
حضور مبارک شریف پیاوند ، بالجهه
ذات مراجعت صفات ساعت (۹) بجهه
صبح یوم مذکور در بکرامی وارد شده
نفری که به معیت شاهانه آمدند بودند
او شان را در آنجا اصر توافق داده خود
اعلیحضرت بسواری کادی کرامی تغییر
لباس داخل کابل شده اند اولاً در بازار
ها و بعضی مواضع لازمه کردش کرده ،
تفتیش احوال جمیع را نموده از رخ
اشیای خوراکه وامنیت و هر تر نه
اورات که مربوط بر فایت و آایش
رعایا باشد علم آلوی فرموده اند ، بعد
از آن به تامی دواز حکومتی کردش کرده
از کار روانی مامورین معلومات حاصل
کرده اند بعد فراغت از تفتیش جنبشکه
بطرف بازار ارک می امتدید یک غرر عینی
اعلیحضرت را شناخته در بحث حضور
مبارک دالستند که شخص مذکور دیگر
نفری را مطلع می سازد و یعنی این عینی
ماندن شان باعث تشویش اهالی خواهد

و مسرویت شخصی ندارد ، بلی تم پادشاه
همین تم ملت است ، آایش او آایش
ملت است ، راحت او امنیت ملک است
و آبادانی سلطنت است ، مسرویت او
زق و شوک دولت است . این بود حاصل
و مطلب نظریه اعلیحضرت فاضی در راب
زماداری و وظیفه آن که کلام جامعه
(رئیس القوم خادمهم) . اتفاقی و تشریح
نموده اند —

بر جهان شکر های بسیار است
که جهان را چنین جهاندار است

(۲) این اعلیحضرت وظایف
مذکوره زمامداری را (چون که بعموم
معلوم و روشن است که آایش ذاتی
خود را در همه امور حیانیه وقف خدمت
ملت نموده اند) محتاج به اراد شادر
و دلیل نیست و نیز شواعد آن بسیار و
برون از حیطه شمار است ، مکر همین یک
واقعه تازه تفتیش هایونی را که از لفان
به کابل آمده اجر داشتند ، و میخواستیم
که در ذیل حوادث داخلیه آن را شـ
نمایم ، در بای این مقاله بذلت نمودیم : —

(نشریف آوری ذات شاهانه)
از لفان بدار السلطنه رای تفتیش
احوال رعایا و مامورین دولت
بوم نجنبه (۲۰) جدی اعلیحضرت

شد لهذا خود را ظامراً ساخته برای سواری موتور طلبیده بسواری موتربقسم علایدیه مجدداً در بازارها و نهاده لازمه برای برسش احوال صدم تشریف برند هر کس که اعلیحضرت را میدید از غایت مسرت یک پیرهن بر خود میباشد اکر چه مفارقت اعلیحضرت برای اهالی کابل پیش از (۱۲) روز نبوده آمازنهایت مرحات و شفقت که شهریار رحیم رعیت بروز مان درباره عموم ملت و از غایت اخلاص و محبتیک عموم ملت بحضور پدر معنوی خویش دارند از وضع عموم اهالی جنان معلوم میشد که مدت های زیاد از فیض شرف لفای پدر مهریان خود دور بودند و به مجرد دیدن لفای هایونی زوح در پیکر افسرده شان دمیده حیات نازه یافتد .

بعد فراغ از احوال بزمی رعایت اساعت (۳) به از ک تشریف برند و شریک (مجلس مشوره) کشند روز جمهه با اساعت (۱۲) برای ادای نماز جمعه در جامع تبریف پل خشتی تشریف برند و وظیفه امامت و خطابات را بنفس نفسیس بجا آوردند بعد فراغ از نماز اعلیحضرت والا حضار را مخاطب نبوده سبب تشریف آوری خود را بیان فرمودند خلاصه اش آن که من خاص برای خبر کبری شما رعایت و عسا کر

محسیارم و از خالق خود برای شما و عموم ملت هنریزم رفاهیت و ترقیات فوق العاده نیاز دارم

روز یکشنبه حضور شاهانه اولاً به داره ایالت و بعد داده ایله قومند نی قول ارد و آشنایی بزرده ملاحظه امور و شیوه هردو داده را نهودند و مامورین و راع کردن داران بعد معلوم نشد که اعلیحضرت بگنا شدند لا کن بعد روز معلوم کردند که از کابل بعنی تشریف بزرده اند و از آنجا مراجعت به لفان رفته اند

الحق اکر در این نظریات عالیه شاهانه من باز زمامداری و وظیفه آن که (همین زک آسایش شخصی وجد و جهاد در آرامش ملی است) تعمیق نهادم و به تکرار سعادت باز ملو کانه در قطب و ایغای آن نظریات صراحت حسنات تحریر کنیم خواهیم داشت که وظایف پادشاهی را بروفق اداره الله بجا و فرمان ایشان خواست و زمامداری را بطبق سیاست عمری اجیا نهوده اند و به عموم مامورین افغانی دستور العمل نیک بخنی دوجهانی و به ساز زمامداران اسلامی صرمشق سعادت جاودانی داده اند، پس همه زمامداران و خدام جانشان دولت قوی شوک را ایجاد اقوال و اعمال شاهانه و هر ای

نیکردم برای شما لشویش پیدا میشد که آیا بجهه سبب آمده بود وجه وقت پس رفته بنابران خود را ظاهر نبودم شما خیال نمیکنید من که به لفان رفته ام از احوال شما بی خبر هست یاشمارا فراموش کرده ام این امیشه شما را بخطاطر و دابعاً از احوال تان خبر دارم باوجود این الى وقت آمدن قطعی به دار السلطنه مثل این دفعه چندین دفعه دیگر برای تفتیش و باخبری احوال تان خواهم آمد و شما با آمدن و رفق من مطلع نخواهید شد حال الحمد لله همه امور تحت خانون و نظام آمده بدرستی در محل اجرا است حضور و غیاب من در اجرای امور همچنین خواست نیمساند آمدن کابل و رفق لفان هم برای من مشکل نیست تمام افغانستان خانه من است اختیار دارم که بین طرف خانه بشیم یا مان طرف بجزا که باشم باخبری و تذکرانی خود را میتوانم جیال نمیکنید که من از لظر کان دورم بجزا باشم بخدمت تان ساعی و کوشانم که الشاء الله تعالیٰ ساعتی از خدمت تان بازخواهم ماده . چون وقت رفق خود را معین کرده نیتوانم هاقم که خوبی آمده ام خوبی پس خواهم رفت اهدا باشند ادع نبوده هم تاز را بخداوند

به هم واردات عالیه ملوكانه فرض عین
و عین فرض است -

از آن شاه آسايش آيد بديد
که آسايش خود نواند بريد
خنک آن که آسايش مردوزن
کنند بر آسايش خوبشون

-(اخلاقیات)-

(قوه شهوانی)

شهوت بلک غول است که برای مظلوب
کردن عقل دایعاً با او در زد و خورد سر
بازان است پذیرید منظرسوء افعال خودش
را هواه در زیر طبلسان (ربا، پوشانیدن
کوشش میورزد، چونکه دوست ندارد
(ورع) را.

مجبات اجتماعی ۹

جه باید کرد ۱۹ این عخالفت کاهی
مالع شده نیتواند خواهشات (شهوان)
را، زیوا از طلمت محبل آن [وقاحت]
بوضاحت اشکار است. این خود مقتضی
است اصحابی [حیا] را در برابره ا در مقابل
آفرید کان اقه اش هوت خیات میکند
بعد علیف میباید از اوامر [عقل] بس
باز میکند دستان [حرس] راهزادی میکند
میکند دستان [حرس] راهزادی میکند
منخرقات را. به دستان [طبع] هدرا
- آنیده بلع میکند مانند بلعیدز [جايم]
امراف میباید مثل شیطان رجیم. ایجا
که رسید مشلوب شهوت [یا] شخص
شهوانی، خارج میشود از دادوه السائب
و داخل میشود، با واب بهایت [عقل]

تو جلش هم که مقهور شده چونکه قوت
ندازد، آری عقل، و قوتهند مغلوب شهوت
میشود، ایس صمد اشهاوانی از عقل قوى
معروف است، چونکه اقوه شهوانیه را
میتواند اعتدل، ایکم میاشت ا این رو
[رذاب اخلاق] او را استیلامی کند.
آنکه با عدم مسامع حقه خواهش میکند
در هر تین امکنه اشیان بندد. خوبترین
اشیارا، بیند بخورد متلذذ شود سوای
آنکه بداند: بزرگ است بحقوق بشریه
خان است بمحیات اجتیاعیه. عاقبت آمال

او آمال کاران شکم خواره است. یعنی
لذاب جهان آدمیت را تها به خوردن،
نوشیدن، ختن، و.... منحصر میداند
آه ا درین است بد بخت لذاب ره حان
را فراموش کرده، زنده کانی معنوی را
خبر باد کفته. چرا که روحش اسیر شده
بسیان اعمال زنک آلوده کردیده وجود اش
سوکوار است و ازین عذاب الیم سخت
میکند و اثیف اسف برایشکه شهوانی
نمالم و منجس، غیشور دا موجودیت این
قبل آدم صور ریان، عفریت سیرت ناکوار
است بخلافات چامع انسانیه. هانا شرایع
آسمانیه و قوانین زمینی برای جلو کیدی
شناخته علی همین کونه دیوان آدم رو
هم بینیدم اپت. اما چنانکه باید بخوبیف

و تهدید و کثرت بجازات [اصلاً] اسباب.
قلع و قرع ریشه های این کنایان فاحش
این سرکشی ها این زشت کارها که ناشی
از شجره ملعونه رذاب اخلاقی است شده
میتواند، بلکه کثرت آن موجب تکثیر
این میکردد ا مانع ظمود این رذاب است،
تها تعذیل قوای شهوانی یعنی [عفت]
است برای تعذیل آن قوت عقل سالم حاکم
است، سلامت عقول مدببوط است به
تحصیل علم.

-(نتیجه)-

پس علم بباید آموخت تاعقل اصلاح
کردد و سایم شود. و مفاد دانستن خبر
و شر بران حساب کردد؛ و قوای شهوانی
را معتمد دارد، و رذاب اخلاقی اذله
کردد. (۱۰ قوس) میرغلام محمد
سابق رئیس پولیس و مدیر ستاره افغان

(ذکارت و همت افغانی)

آقای غلام محمد خان رسام مدیر
مکتب (صنایع نفیسه)، که در فنون رسمی
و بعض فنون نفیسه دیگر دارای بدنی
و همارت خارقه بخواهستند از چندی است
که برای اکمال فن رسمی و تحصیل فن
زیستگو کرافی و طبع رنگین بهار و بارفته اند
مدت قابلی در بازیس بودند و هکات و
دار الفنون های صنایع آنجارا ملاحظه

ودقت نموده به جومنی رفتهند. چون که
بادی و مقدمات را در مکتب طبیعت
خود اکمال نموده بودند، در دارالفنون
صنایع فنیه برلن برای تحصیل پذیرفته
شدند. در ظرف هفت ماه تحصیل چند
ساله دارالفنون را تمام کرده بوقت امتحان
هم از سازین اول برآمدند و شما دستامه
دارالفنون برلن را از درجه اعلی ناصل
کردیدند. کواییف تحصیلات و نقل
شهزادشاهه شان در جریده آزاده شرق
و بعض جرائد وطنی مان نشر شده است
درین وقت شماره (۳۸۸) جریده سوسیال
غزنه فورورت، المانی باداره مان رسیده
دریک صفحه آن عکس اقای غلام محمد
خان پیده شد، در تحت آن عباره ذیل
سرقوم بود:

پروفیسر غلام محمد خان یک رسام
مشهور و مدیر مکتب (صنایع فنیه)
افغانستان در کابل که فی الحال در دارالفنون
صنایع فنیه برلن تحصیل کرده است و
به اعلی ترین درجه کامیابی در امتحان،
شهزادشاهه حاصل نموده است. بعد از
مراحت بوطن خود، آنجا به مکتب
صنایع به نهونه مکتب صنایع المان تأسیس
خواهد کرد.

(امان افغان) این وطنخواه باعت
صاحب حیث ز! که نام افغان و افغانیازرا

الحمد لله رب العالمين

(تشکیل امارت اتحادیه وطنیه بنیانیه)
علمای جغرافیه در قطمه افزیقا،
افلیمی را که در شمال قطمه مذکور وزیر
بحرایض متوجه واقع است، باستثنای
ملکت مصر، بلاد مغرب، یا غرب و ریا
بلاد بروم کویند. بلاد هضرت، در این
ادقات به چهار مملکت تقسیم، اول نام

حرب و میدانهای خوزی خیزی ابراز نموده.
مکر چون که دولت ترکیه علاوه از ضعف
سابق خود در آن ایام تازه دستوری شده
بود و فرقه ارتجاعیون یعنی طرف داران
اصول و حکومت قدم با فرقه اتحاد و ترق
که زمام امور را تازه بدست کرften بودند
مخالفت وزد و خورد داشتند، و نیز
اتحادیون میدیدند که در عین وقت بک
اتحاد بزرگ دیگر اروبا برخلاف دولت
ترکیه برای پاره پاره کردن و محوساخته
آن از صفحه هستی در آمادگی و حاضری
است، مجی و رأا بقرار معاهده لوزان
[۱۹۱۲] از طرابلس دست کشیدند.

اکرچه زمان طرابلس را کذاشتند
مکر اعمال آن ازان وقت نایساعت که
دوازده سال میشود همه با اسکرایطالیا
مشغول غزویات و محاربات آند. ولایت
طرابلس به بنجح محال تقسیم یافته که ازان
میان محل بن فاری که مشهور ببنغازی
است و بر ساحل بحر روم واقع است از همه
عمده تر و معروف تر است، شهر مرکزی
ابن محل که بندر معروف آن است،
بنغازی نام دارد. در این ایام اعیان
بنغازی مجلس بزرگ اتفاق داده در تشکیله
بک حکومت وطنیه و انتخاب رئیس نام
مشهور نمودند، بالآخر با فاقع عموم

طرابلس، تونس، الجزائر، سراسر
مشهور است. مصر و بلاد مغرب از مملکت
مشهورة اسلامی و اداره اش در اوائل
بدست دولت عثمانی و آخر تحت سیاست
او بود، و قبیله دولت عثمانی ضعیف شده
رفت هریک از استعمار یونان اروبا یعنی
انگلیس و فرانسه و ایطالیا بتودت، مملکت
مذکوره را به انواع حیل و اقسام نماییر
احتلال و نملک نمودند.

از همه اخیر دولت ایطالیا در سنه
[۱۹۱۱] می یعنی تقویتاً دوازده سال
قبل ازین، عساکر و قوای حربیه خود
را بر سوائل طرابلس فرود آورده و به
قصد ابتلاء راین مملکت اسلامی بعملیات
حربی آغاز نمود. جت و هاشم ابیه
در طرابلس امانت مفقود است و این منع
به مصالح ایطالیا خسارت دارد. در مقابل
عربها و توکها در کال جان فشاریه مانع
قوای خود مقاومت و استادک نمودند و
داد جلد و مردانک دادند. حق
زهای صوب در میدانهای جنگ حق
شجاعت و حاجت را چنان بجا کردند که
در قاریع بیاد کار ماند و بر زمانه ای ضرب
المکل کشت. در واقعه محاربه طرابلس
جسم شجاعت جناب سر جوم انوریک
بنغازی دلیری و بهادری در مرکه های

سید محمد ادریس سنوی را به امارت انتخاب کردند و براین اتفاقیه جمهور اعضا نموده استقلال امارت خود را به نام (امارت اتحادیه وطنیه بنغازیه) اعلام کردند و به عموم مملک اسلامی ازا بقال تام خود بتوسط بسم الله ابد روشن اس آن درین سهار مات و مقابله عربها با ايطالیا حق باطرف هر دوست که حق آزادی فطری و استقلال طبیعی خود را خواستکارند . اگر اراده ايطالیا از استیلاه بر طرابلس اقامه امنیت بودالبه که تا اینوقت صورت گرفته باشد و آنکه درین [۱۲] سال توافقت که امنیت قائم کند معلوم است که تا این خون عالی بروزد فرضًا اگر [۱۲] سال دیگر هم سلسله جنک را جاری دارد همین است که طرابلس را بگذارد و از راهیک آمده بود پس برود و همچو دیگر استعمال بون خود را مورد طعن و عداوت علم اسلام نسازد .

و اینکه بعضی زمامدا ران مستبد ايطالی میگویند: چون که ايطالیا بدار محاربات طرابلس نا کام کشته اگر درین حال طرابلس را بگذارد مردم کان می برد که ايطالیا میشوند از فتح و ظفر دور می مانند . پس با این مراتب وظیفه اسماحت و طریقه توهم بسیاست که عموم استعمار بون را جاری کشند و در هر محل هر یک از آنها دست صلح و دوستی داده من بفتد از

امان افغان: بقانون تو azi شهریار عدالت شمار خود، کمال افتخار بروانیده از خداوند متعال بقای عمر و اقبال این خسرو نیز کو مآل را که در اجرای قانون با حافظ شخصیت، اکرجه ناما باشد سکنه وادر بغير مایند، از صدم قلب نیاز دارد .

قلب

مثل مشهور است (سکه) قاب جلس ندارد) مانند چند نفر قلب جلان کائب همچنان و رادران وطنی و دولت مقدس خود اطمین خیث باطنی نموده دست آز بقلب جلانی دراز کرده بودند، ارجاجا که خیانت سبب شرمساری دنیا آخرت است کرفتار بجهة خومن آمده بازارها تشهر و قرار وادعیه نظامنامه جزا، بیادانی و سزای سوء بیت واراده خود را دوچار کردند .

قلب

روز جمعه ۲۷ دلو غلام حسین خان (کنندگان) بسر قاضی الفضات شان جهه فیصله و تصفیه بمحکمه مامورین صاحب مرحوم، در ظرف جند محوال گردید، پس از تحقیق و انصای ارباب درایت، جناب غلام بی خان بری الزمه و جناب نائب الحکومه صاحب بوجب انظم نامه جزا محاکوم بحبس، و در بندی خانه کرده، باشیدش ساخته اند، بنابر بلکه روایت ذهن باستعانت نو کوش اورا

آزار خود و اضرار بطریه دادست بردارد.

حواره ای خانه

حريق

در کار خانه بوت دوزی حريق واقع شده، مقداری از بوت و موشه و جرم تلف کشته، تقدیر تلفات هنوز معلوم نشده است که بالغ بخند است .

عنزل

منشی غلام قادر خان که سرهنگی حضور بود، در لقاو حسب اراده شاهانه از وظیفه اش بپذوشه شده .

جنس

چندی قبل بدایر النصرت هرات مابین (و) (ج) نائب الحکومه محمد سرور خان مشهور به بابا، و (ع) (ش) غلام بی خان فرقه مشتر چیزی که: کو و تنازع واقع شده بود، بهمان سبب حضرات شان

بدایر الناطنه طلبیده شدند، و معارضه شان جهه فیصله و تصفیه بمحکمه مامورین محوال گردید، پس از تحقیق و انصای ارباب درایت، جناب غلام بی خان بری الزمه و جناب نائب الحکومه صاحب بوجب انظم شیر بور محبوس گردیدند .

قتل رسانیده است و از همین باعث عیال و نو کوش محبوس و گیفت آن زیر تحقیق است.

کثیر برف باری

هزاران نفع دارد درجهان برف کل است و آنندم وجو بلکنان برف از انجا که مسامح بینه بروران خالق انس و جان در حق علوم مسلمان خصوصاً افغانستان بیزش است، از هرسو اسباب رفاهیت پاراده لایزال آمده شده میرود برف باری که برای افغانستا در حقیقت زر باری است امسال داد باریدن داد، بلکه به برفبارهای قدیمی که وفور اعمت در بی میداشت شباهت کلی حاصل آرده بود هر هفته دو-سه صد هزار خان در خان در جنوبی ری که بشکوفه های سفیدهارور میگردید تمام کابل بل اذرقطمات افغانستان یک‌کامل بیاض، زمین، کوههای سرمه کوهه سفید بر فدان والا و خداندارها امسال دو شش آمدند، آن حاجت بزحمت بخموره تور کردن شان نشد از برف و بیخ اوردن بقمان نیز یافم شدند.

حول اذرقطمات

لوزان و ترکان

بتاریخ (۱۰ دلو) مندو بین دول اروبا

عمردی باز کان بدون هیچ کونه آلاش چنین زمانه دارد: اینک وقت آن رسیده عرض احیای ز کیاواحراز مکانت در جنب دول، ترتیب داده شده، و امید واریم که ترکان ازین خیزاندیشی وصلاح جوئی مان نهون بوده معاهده را امضا کنند.

این معاهده اکرچه نازه است و در صورت با معاهده مشهوره مشتمله (سیور) ف الجله اختلاف دارد، اما قل الاواعج چون بنظر دقت در مواد و احیایان آن بخوشود ظاهر میگردد که عیناً همان معاهده ببورست که بعد از جمله همومن ترتیب یافته و بزور شمشیر و ترکان قسطنطینیه تسلیم و امضا کرده شده بود، و در نتیجه ترکان احرار از قبول آن اندکاف ورزیده در اماظولیه آشکیل حکومت ملیه حالیه ترکیه را دادند و به تمام عالم اراده و اعلان نهودند آنکه ترکان حقیق این معاهده را هر کوچکی بدل نهادند و برای شکنن آن تا که یکنفر از ترکان زنده باشد به فدا کاری و بمحض خون خود حاضر اند و آنها هموم مسلمانان برغیر و وترم آن معاهده مشتمله به هرجا صد اها بلند کردن و نهاینده ها به لندن و دیگر مجالس فرستادند و احتجاجات نهودند، اسلامیت بسیار به این ندادهای زبان و آواز های دهانی هیچ کوش مداد و اعتنایی از منهای انصاف و بگال سخlossen نیست و

جنین از جاده صلح و انصاف يك متفقین از جاده صلح و انصاف يك سرم و اخراج نکرده اند. و مقصد يكاهه نهایت مقبول این (مجلس کرزن) همین صلح جوئی است که برای پوندیاقن اجزای از هم جدائده ملیه ترکیه، و شمولیت ز کان در جر آن سیاست اروبا، هیچ مضائق و صرفه جوئی نکرده اند. اینون استفاده نهودن ازین موقع خوب و طبقه ترکان است.

(ویست منتر کرت) چنین اخطار میگذرد: ترکان باید متنبه شوند که به آمان جنان موقع و مجال داده شده است که بجهت استفاده تردن ازان، منهای نذر و ضبط حتمی است. واکر ترکان جدوجهد کنند که بیشتر ازین احرار فوائد نهاینده و از قرصنت موجوده اخذ فوائد نکنند، ازین فوائد حاضره هم. دست بشویند خودلاود کرزن و دیگر نهاینده کان دول هم به مثل اظهارات فوق جراند بر طانه بوقت تقدیم معاهده به ترکان، بیان، و در جراند انتها نهوده اند که این معاهده نامه از منهای انصاف و بگال سخlossen نیست و

نکرد ، تا که ابن معنی را صدای کالوهای توب ترکان و ولولهای هزینه یافتنکان بونان به سمع مستولاً پیدجارع ولارد کرزن رسانید و بنية غفلت و حق ناشنوی را از کوشماهی شان کشید و درگ نمودند که از هنوز تعلل و اهمال ورزند قریب است آن قصرهاه استهیار در عراق و فلسطین و شام از کالوهای توبها و طباره های زیمه با خلاک برآور شود ، لاجرم از دزلاه و جراو رای چه ۱۹ برآمد ، مجلس لوزان را انقاد دادند ، و باز بک عهدنامه منحوس با تراطیح کر شکن زیب دادند درین عهدنامه علاوه از مسائل متفق عليه و متنازع فیه ، جناب مسائل و تراطیح در ج است که در مجلس ازان ذکری نشده و ترکان ازان مسبوق نیستند .

با جمله بعد ازان آن مسوده معاهده به ترکان داده شد ، لارد کرزن و مسیبو و انکاره به عصمت پاشا نوشند که حدغای و نقطع آخربی نظریات خود را آه درصورت معاهده را اعضا می کنید اظهار نمایند . عصمت پاشا بعد از تأمل و تذریج بک لانجه زمیمه و اصلاحیه زیب داده به مندوین تقدیم کرد . ابن لانجه زمیمه خبیل مدبرانه و مصالحت اندیشه است و بقول بعض مخبرین جرائد بمخالفین از

متقین میباید مساوات ترکان و دیگر اجانب را در امور مالیه تسليم کنند امیاز اداء آثیهای تجارت تا پنج سال بسواحل ترکیه در تحت لوای غیرملکی منسوخ شود . محصول و ارادات بعض اشیا را که (۸) فی صدق قرار داده اند باید (۱۲) فی صد شود .

عصمت پاشا با این لانجه زمیمه جوابیه خود ، بک متذکر دیگر هم فرستاده و دران متذکر که نوشته که ابن هم کشتهها و ایثارهای ترکان که فی الواقع فدا کاری است ، بعض آن است که مصالحت صورت گرفته معاهده نامه امضا شود ، واکرها این مراتب معاهده را دول امضا نکنند دولت زرکیه هم کشتهای مأموری ماقوی را متفق و متعهد نمیگردد .

بعد این ناینده ها به صفات های خود رفتند ، عصمت پاشا هم چون بد که در برابر ازاعیان و رؤسای مندوین دول کی در مجلس غاند او هم به انکوره رفت . بعض اشخاص خجالت می کنند که مجلس بزم خورد و مسیب را کی ترکان و کی بريطانیه و کی فرانسه میداند ، ولی عووم خجال دارند که هنوز فرست برای تفاسیر ، واجهات یکبار دیگر باقی است -

حاضر است که قبرستانهارا حواله بريطانیه کنند مگر حدود و وسعت آن کم نرسود و افتخار بريطانیه بر آن اقتدار مالکانه بمحبت بک قطعه هم لو که نبوده بعض یک نفر چکاه شمرده شود و بريطانیها هر وقت بخواهند می توانند برای معابته آنجاوارد شوند .

در مسئله ایثارهات اجانب در مسوده معاهده مرقوم است که امیازات اقوست لا کن در حکمه های عدیله ترکیه قضات اروپائی دخیل باشند عصمت پاشا نوشته که ازین شرط لصب قضات اروپائی دست کشیده شود و در معاهده الفاء امیازات مقید بیچ قیدی نباشد و برای اطمینان دول ، ترکیه و عده میناید که از تبعه دول بی طرف اروپا ، یعنی نفر مخصوصین قانون را انتخاب کرده در تحت وقارت عدیله خود نکاه میدارد تا که در دعاوی غیر حقوقیه کی را موقع شکایت پیدا نشود در مسئله اخذ تاران جنک عمومی از ترکیه و دعوای ترکان اعطای قیمت جهازهای را که بیش از جنک به انگلستان داده بودند و انگلستان جهاز هارا ضبط نمودند ، و دیگر مسائل مالیه ، چنین تجویز کرده است که طرفین از دعاوی خود ها کذشته ، و نهانها بعض تاران خرابیه ای که در علاقه ترکیه نموده اند به ترکان بدھند و متفقین اصول اخذ تاران را ازو آسلیم نمایند

فرانسه کنایه اظهار داشته که برای انعقاد یک معاہده جدا کانه باز کیه حاضر است. برطانیه نیز در مقابل همین طور اباء ارائه نموده آه برای عقد یک معاہده بین خود و ترکیه مستعد است.

بقرار قول یک وقایع نکار جریده مانجستر کاردن، در همین مجلس لوزان بین امریک و رکان یک معاهده تجارتی انعقاد وامضا شد.

بر نتیجه مجلس در شماره گذشته و مقاالت افتتاحیه ایان شماره حدس زده شده وا کر به هفته آنیه نتیجه قطعیه معلوم نشد باز اظهار فکر خواهد شد.

(وطن قوی ارمنیا)

لوزان - (۸ دلو) : روسیها ظاهرآ تصفیه کرده اند که برای ارمنیا وطن قوی مقرر کرده شود، این همان مسئله ایست آه دران بسیار مباحثات رو و بدل شده، موسیو چچرن برای هم‌درزدی از ارمنیا، بصدر مجمع مال نجیر ر داشته آه دولتین روس و یوکرنسیوز کرده اند آه در ممالک خود ارمنی ها را جای بدھند، تمداد شان که جه قدر باشند در تابع فیصله خواهد شد —

اجماع افواج حکومت رومانیه جراید بوداپست مینکارد که حکومت

می کند. اک از روش اختلافات و طرفه حل ان و پیشہ ادات مساعدیک در این موضوع از یکطرف یا از طرفین شده، و یا تجربه لانک بویله فشار دیبلو مای وغیره میخواهد یکطرف وارد آید ملت را مسبوق نمایند لاما مکشوف خواهد شد که مسبب اصلی بدینخنی و عمرت عمومی ملت ایران کیست و راه نجات از این بلده چیست؟

ابن ایجاده نهایا بدولت ایران وارد است بلکه پیشتر متوجه دولت ساویت روسیه است که با اعلامیه های طویل و دراز سابق و ضدینهای کاملی که بایبلو مامن خوبیه ایاز و اخبار هم داشته، چگونه این قضیه مهم را فقط در لفافه های کلایات کوئی و عبارت دیبلو مای اظهار نموده و از بیان حقیقت و موضوع اصلی اختلافات بطور صريح خود داری میپاید. بل هر کاه موضوع اختلافات مشروحاً معلوم شده و چن حاصل شود که از طرف دولت ایران اهمال اظریه خصوصی خارج از حفظ منافع ملی ایران، روسیه میشود بدینه است به ویله فشار ملت، آن نظریه تهدیل خواهد شد، و نکاه از طرف روسیه نسبت بایران ابراز مخالفت و بخصوصی میشود آم

ود بن خصوص دولت ایران نیز که از حریف خود نبوده در استخار پولنیک مطابق مادت هشتم کی اصرار دارد و آنچه در اطراف این قضیه که از مسائل حیاتی ایران است مذاکرات بعمل میآید بطور حدس و تخمین نبوده و خارج از عین حقیقت است. واقعاً مقدرات ملت بدینخت ایران که در زیر فشار اقتصادی و تشنجهات جنگ بین المللی بکلی خورد و ناگوان شده بهیند بچه، اندازه دستخوش خیالات اشخاصی شده است آه باداشتن اندوخته های سابق و لاحق فقط از روحی تفنن باشونات اجتماعی بلک ملت بدینخت که حتی فاقد وسائل زندگانی اولیه است بازی میکند!

این همه سقی و اینقدر اهمال کاری، و ملت را از حقایق امور مطلع نساختن چه معنی دارد؟

قریباً یک سال است که نماینده وطن پست ما (تفقی فزاده) در مسکو مشغول مذاکره و تعیین قرارداد تجارتی میباشد و در این مدت طویل، یک ابلاغیه رسمی از طرف دولت مبنی بر جریان مذاکرات موضوع اختلافات فیما بین ایران و روسیه انتشار یافته، و همین عدم انتشار حقایق است که ملت را بدولت بدمی نموده وزیریه مساعده برای تبلیغات یکطرف فرام

روماییه بسرحد مکیار در اجتیاع افواج جدید مشغول است.

(ایران و روسیه)

قطع مناسبات تجارتی بین ایران و روسیه و کدورتی که در نتیجه یک سلسله اختلافات نظری که مابین کایانه حاضرین با دولت ساویت روسیه حاصل شده علاقه مندان به سعادت آنیه ایران را باید می نماید و چون بنا به (اصول پولنیک استخار) از حقایق مطلب کاملاً اطلاعی در دست نیست در اطراف این قضیه غیتوان حکمیت قاطعی نمود و یک طرف را مقصراً دانست و بطور قطع معلوم نیست کدام یک از طرفین میخواهد اعمال لظریه آه موافق حق و عدالت نباشد بآن دیگر تحمل نمایند!

انتشارات پیشیم سکو که تقریباً بطور نیم رسمی مقاصد دولت ساویت روسیه را انتشار میدهد فقط در کلایات بمحاذات (تاغیرات اساسی در مملک دولت ایران با روسیه حاصل نشود مناسبات دولستانه تجدید نخواهد شد) یاد رموضع تجارت (دولت روسیه نماینده و امتیازات ۳۴۴ می دینماده تجارت ایرانی قائل شدند وغیره غیره) صحبت نموده و موضوع اختلافات و نظریات یا کذشت های خود را صاف و وساده بعرض نمایش افکار عمومی نیکذارد

وادبی دارای معنای خیلی در بما و شیرین بزبان روان فارسی از قلم جناب ادیب فرزانه آقای حسین کاظم زاده ماهیکمرتبه از برلین (باخت جرمنی) به‌واسطه نثاری انتشار می‌باید؛ هریک از خواهشمندان که شوق استفاده داشته باشد از اداره امان افغان بعوض یک پوند انگلیسی سالانه از مقلاالت عفیه مارقامه آن را مستفید خود سازد.

اعلان

جريدة (آزادی شرق) مجله ایست سیاسی، اجتماعی، اقتصادی که بتوت مدیریت آقای ادیب یکانه شیخ عبد الرحمن خان سیف بزبان فارسی، هندی، ترکی، هندی، جرمنی از برلین نشر و شایع می‌شود جريدة مذکور قبله در پازده روز يکبار نشر می‌شد از چندیست که هفتگه ک شده و منتظم می‌رسد هر که آرزوی ہر اندوزی دارد، باداره امان افغان رجوع نموده؛ در بدله یک پوند سالانه از قائد های غایانش هفته وار خود را عظوظ ساردن.

در چهاب خانه حروفی دار السلطنة

کابل طبع کردید

معلوم شده، دیگر تبلیغات: آذنهای مرم : وغيره قابل توجه واقع نخواهد شد یا اینکه بوسیله پیش نهادات متضلعین و منهخصین تجارت ممکن است به آسانی رفع اختلافات شده وابن پیش آمد ناهنجاری که قلوب طامه را متزلزل ساخته منجر نکردد، درستصور بدلا یکد در فوق بیان شد لازم میدانم که در اوین وسیله امکان مواد پیش نهادات و نظریات اسماهی هتلین ایران و رویه در موضوع قرارداد تجارتی، و حق مواد اختلافاتیکه دو هر موضوع حاصل شده است انتشار باید که از روی آن زمینه، بشود واه اصل اختلافات حاصله را بیدا نمود. (زعد)

وزیر اعظم جدید ایران طهران - ۹ دلو : در مجلس بگزت آراء مستوفی المالک بریاست وزراء ممتاز گردیده اند، جناب موصوف در سنہ ۱۸ - ۱۹۱۷ع نیوزیر اعظم و دند

استعفای کاینه وزارت مصر کاینه نیم توفیق باشا بحضور بادشاه مصر استعفای خود را تقدیم نمود، و متظوری یافت.

اعلان

محله (ایران شهر) رساله ایست علمی